

رهیافتی از الگوسازی تربیتی تا الگوپذیری از شهید سلیمانی از سوی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

محمود سعیدی رضوانی*

فاطمه غلامی**

محمد مهدی محبی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

چکیده

مطالعه حاضر بر پایه کشف تجارب زیسته دانشجویان به منظور دستیابی به ظرفیت الگوسازی از منش و شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی برای نسل جوان صورت گرفته است. روش پژوهش، پدیدارشناسی توصیفی بوده و با پانزده دانشجوی پسر دانشگاه فردوسی مشهد مصاحبه شده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، موارد نوعی انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها با استفاده از روش کدگذاری استراوس و کوربین، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفت و در نهایت، ۵۷۲ مفهوم کشف و در قالب ۳۸ مقوله جای داده شد. نتایج نهایی نیز تحت هشت مضمون قرار گرفت. مضامین کشف شده در مدلی با اقتباس از چهار مدل حیطه عاطفی بلوم، یادگیری مشاهده‌ای بندورا، نفوذ اجتماعی ارونسون و اقسام الگوپذیری مصباح یزدی، در پنج سطح، شامل «جذابیت سردار»، «تثبیت جذابیت»، «اراده در تغییر رفتار»، «ظهور کنش» و «کنش‌گزینی متعالی» جایگذاری شد؛ بدین ترتیب که سه مضمون «برجستگی اخلاق فردی سردار»، «برجستگی اخلاق بین فردی سردار» و «برجستگی سبک مدیریتی سردار» در سطح اول قرار گرفتند. سطح دوم، دو مضمون «اثرپذیری عاطفی مخاطب» و «اثرپذیری شناختی مخاطب» را دربر می‌گیرد. دو مضمون «تلاش برای تغییر دادن دیدگاه و رفتار» و «مطالبه‌گری الگوسازی از سردار» نیز در سطح سوم گنجانده شدند و مضمون «آثار اجتماعی الگوگیری از سردار» هم شامل دو سطح چهارم و پنجم شد. در مجموع، تحلیل یافته‌ها ظرفیت بالای زندگی و شهادت سردار در الگوسازی تربیتی برای نسل نوجوان و جوان را تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: الگوسازی تربیتی، الگوپذیری، شهید سلیمانی، تجربه زیسته، پدیدارشناسی توصیفی.

* دانشیار گروه مطالعات برنامه‌دستی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).
saeedy@um.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

fatemehgholami436@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

ph.m.m1376mohebbi@gmail.com

بیان مسئله

به طور کلی، مطالعه احوال انسان‌های دیگر، کاری بسیار مفید و دارای اهمیت فراوان است و در این میان، مطالعه احوال انسان‌های شایسته و دارای جایگاه والای اجتماعی، ارزشی دوچندان دارد؛ زیرا چنین افرادی علاوه بر آموزندگی‌های معمول در مطالعه تاریخ برای دیگران، نقش الگویی نیز دارند و در قرآن کریم، به الگوگیری از چنین افرادی سفارش شده است (خانی و محمدی، ۱۳۹۹، ص. ۶). انسان‌ها و جوامع از طریق الگوها هویت خویش را پیدا و تقویت می‌کنند و در نهایت، با استفاده از این الگوها ارزش‌های مختلف را در وجود خود به صورت نهادینه درمی‌آورند (خلیفه، ۱۳۹۸، ص. ۲). جوانان همواره در جست‌وجوی قهرمانی محبوب و الگویی شایسته‌اند تا همانند او رفتار کنند و منش و ظاهرشان را با وی وفق دهند (حسن‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۱۹). الگوسازی عبارت است از فرایندی که در آن، رفتار و چهره یک فرد یا گروهی از افراد به عنوان یک موضوع انگیزشی بر افراد دیگر اثر می‌گذارد و سبب پیروی دیگران از آنها می‌شود (احمدی، نودهی و تبریزیان بروجنی، ۱۳۹۹، ص. ۷۳). در این فرایند یادگیری، فرد در نتیجه دیدن رفتار فرد دیگر و یا شنیدن و حتی خواندن درباره آن رفتار تغییر می‌کند (خلیلی سامانی، ۱۳۹۱).

در تحلیل اثرپذیری انسان از الگو می‌توان گفت انسان به دلیل کمال‌خواهی، هدف‌ها و آرزوهایی را در سر می‌پروراند و وقتی با الگویی روبه‌رو می‌شود و کمال مطلوب خویش را در او می‌یابد، از نظر عاطفی، نوعی قرابت و هماهنگی بین خود و آن الگو می‌بیند. از سوی دیگر، احساس نیاز به کمال موجود در الگو سراسر وجود الگوپذیر را فرامی‌گیرد و این دو عامل سبب می‌شوند الگوپذیر به دنبال الگو برود (قائمی مقدم، ۱۳۸۹). الگوپذیری و تبدیل شدن الگو به نمود رفتاری، سه سرچشمه همعرض و موازی بدین شرح دارد: انگیزش‌های انتخاب الگو، معیارهای انتخاب الگو و هنجارهای به دست آمده از الگوپذیری (کوشا و ساجدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۶)؛ از این روی، الگوپذیری یعنی رضایت داشتن فرد به انطباق دادن رفتارش با دیگرانی که می‌پسندد در جهت هماهنگی و ایجاد انسجام رفتاری با آنها (خلیفه، ۱۳۹۸، ص. ۲). هرچه قدرت نفوذ الگوها بیشتر و زمینه پذیرش، آماده‌تر باشد، نمونه‌برداری به شکل کامل‌تری

صورت می‌گیرد (خلیفه، ۱۳۹۸، ص. ۳). منظور از نفوذ اجتماعی، آن است که فرد قادر به اثرگذاری بر دیگران توسط گفتار و رفتار خود باشد (کریمی، ۱۳۹۲، ص. ۸۵). این نفوذ درخصوص تمایل افراد به تقلید از دیگران تحقق می‌یابد (ربانی و کجیاف، ۱۳۸۸، ص. ۹۷). براساس اصول روان‌شناسی اجتماعی، وقتی موقعیتی تحریک‌کننده و سازگار با هدف‌ها، نیازها، نگرش‌ها و آرزوهای انسان برای وی پیش می‌آید، او می‌کوشد به گونه‌ای رفتار کند که بیشتر به آن موقعیت نزدیک شود و بدین ترتیب، این رفتار صورت‌گرفته در قالب تقلید، آگاهانه و هدف‌دار است (قائمی مقدم، ۱۳۸۹).

یکی از روش‌های تربیتی رایج، به‌کارگیری الگو برای تربیت‌کردن فرد است که می‌توان آن را روش الگویی نامید (خلیفه، ۱۳۹۸، ص. ۱۰). معیارهای الگوپذیری را از منابع دینی می‌توان استخراج کرد و از جمله آن‌ها موارد ذیل درخور ذکرند: حسنه بودن الگوپذیری؛ ارزش‌محور بودن الگوپذیری؛ ثبات رفتاری و شخصیتی الگو. براساس آنچه در قرآن کریم می‌خوانیم، الگو باید نیکو و از نوع «اسوه حسنه» باشد (احزاب، ۲۱؛ ممتحنه، ۴ و ۶). صفت «حسنه» این واقعیت اجتماعی و تاریخی را بیان می‌کند که الگو، الگودهی و الگوپذیری، دارای دو جنبه مثبت و منفی هستند. از منظر اسلام، معیار توجیه الگوپذیری، ارزش‌محور بودن آن است (ممتحنه، ۴) و نزدیک‌شدن به ارزش‌ها از طریق الگوپذیری تحقق می‌یابد. درنهایت، درباره ثبات رفتاری الگو، این نکته قابل ذکر است که الگوپذیری براساس هوس، سرانجام روی به زوال می‌گذارد؛ به همین سبب، در قرآن (عنکبوت، ۴۱) آمده است که الگوپذیری از سر هوس و برمبنای معیارهای فردی استحکام نخواهد داشت (کوشا و ساجدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۳-۱۲۴).

زرسازان (۱۳۹۶، ص. ۱۵۳-۱۵۶) اصول و قواعد خاص درخصوص روش اسوه‌سازی را شامل موارد ذیل دانسته است: برگزیدن الگو همراه با بصیرت و انتخابگری؛ دست‌یافتنی جلوه‌دادن الگوهای دینی؛ تناسب‌داشتن الگو با مخاطب. به‌زعم وی، هرچند اسوه‌گزینی، متضمن پیروی کردن از غیر است، این پیروی هرگز نباید با بی‌خبری و کوردلی همراه باشد؛ همچنین اسطوره جلوه‌دادن الگوها و بزرگان دینی، سبب صورت‌نگرفتن الگوگیری واقعی از آنان می‌شود و نزدیکی و هماهنگی الگو و الگوپذیر در جهات مختلف، الگوهای تربیتی را عقلانی و دست‌یافتنی جلوه می‌دهد.

در نهایت، پردازش و ترسیم‌های صورت‌گرفته از الگو باید واضح باشد و توجه به این نکته که چه چیز را، برای چه کسی، در چه زمانی، به چه میزان و با چه هدفی در اختیار مخاطبان قرار دهیم، از اصول مهم در روش الگویی است. به عقیده بندورا^۱ (۲۰۰۱)، برای الگوسازی مناسب باید به سه عامل توجه کرد: ویژگی‌های الگو، ویژگی‌های مشاهده‌گرها و پیامدهای پاداش مرتبط با رفتارها (بهزادی و محمودی، ۱۳۹۷، ص. ۳۱).

الگوگزینی در نهاد انسان‌ها نهفته است و چنانچه الگوهایی شایسته را به فرزندانمان معرفی نکنیم، آن‌ها خود برای یافتن الگوی دلخواهشان اقدام خواهند کرد و با توجه به حجم‌های فرهنگی بسیاری که در کشور وجود دارد، احتمال انتخاب الگوهای غیرداخلی و متضاد با ارزش‌های اسلامی افزایش خواهد یافت. این نگرانی به‌حدی است که هم‌اکنون، بسیاری از نوجوانان و جوانان، شخصیت‌های بی‌هویت خارجی را الگوی رفتاری خود قرار داده‌اند و درمقابل، درباره قهرمانان ملی و شهدای کشور، شناخت کافی ندارند؛ اما در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی، گرایش نوجوانان و جوانان ایرانی به شناخت این شهید والامقام و الگوگیری از وی افزایش یافته است.

سرباز وفادار انقلاب، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از اسطوره‌های ماندگار اسلامی - ایرانی و از قهرمانان ملی کشورمان محسوب می‌شود که از شایستگی‌های بی‌نظیر فردی، معنوی و رفتاری فراوان برخوردار است (موسوی، ۱۳۹۸، ص. ۷۶) و با اتکا به ویژگی‌های شخصیتی، و مهارت‌های تعاملی و مدیریتی خود توانسته است به سطحی عالی از نفوذ اجتماعی در میان آحاد مردم، جبهه مقاومت و حتی آزادگان جهان دست یابد (روح‌اللهی، ۱۴۰۰، ص. ۷). به‌گفته مقام معظم رهبری (۱۴۰۰)، یکی از حقایق بسیار برجسته در جامعه ما این است که سردار سلیمانی به الگویی برای مردم تبدیل شده است و امروزه، بسیاری از جوانان در دنیای اسلام، تشنه حضور قهرمان‌هایی همچون این شهید والامقامند؛ به‌گونه‌ای که هر قدر نام و یاد سردار سلیمانی بیشتر

1. Albert Bandura

منتشر می‌شود، علاقه و تشنگی این افراد به داشتن چنین قهرمان‌هایی در کشورهای خودشان افزایش می‌یابد.

شهید سلیمانی را می‌توان جمع اضداد دانست؛ زیرا در میدان نبرد، کسی هم‌اوردش نبود؛ ولی هنگام به‌جای آوردن نماز شب و در مجالس روضه‌خوانی اهل بیت (ع)، بسیار رقیق‌القلب بود و چندان می‌گریست که نمی‌شد باور کرد وی همان مرد مقتدر میدان‌های نبرد است. دشمن از ترس نام حاج قاسم، صحرا به صحرا و شهر به شهر فرار می‌کرد؛ ولی فرزندان شهدا جایی امن‌تر از آغوش او نمی‌یافتند (خانی و محمدی، ۱۳۹۹، ص. ۷). حاج قاسم، نمونه‌ای برجسته از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود. وی همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند و شهادت در واقع، پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود (بابایی طلایه، ۱۳۹۹، ص. ۱۹۰). جایگاه سردار سلیمانی در میان ملت بزرگی که وی از میان‌شان برخاسته و به‌خاطر آنان، بارها به استقبال «مرگ سرخ» رفت، کاملاً معلوم بود؛ اما تشییع ده‌ه‌امیلیونی پیکرش یک «غافل‌گیری بزرگ» به حساب می‌آمد (زارعی، ۱۳۹۸، ص. ۵).
واقعۀ شهادت سردار سلیمانی، ارزش‌هایی همچون فداکاری، ایثار، هم‌نوع‌گرایی و شجاعت را بازتداعی کرد و در نتیجه آن، ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی توسعه یافت (تاج‌بخش، ۱۳۹۹، ص. ۶۱). اخلاص، ایثار، شجاعت و پیروی از اوامر ولی فقیه زمان با تکیه بر فرهنگ عاشورایی امام حسین - علیه السلام - و انگیزه خدمتگزاری در مسیر تشکیل حکومت جهانی امام زمان - عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ - از ویژگی‌های مهم سردار رشید اسلام، حاج قاسم سلیمانی بود (موسوی، ۱۳۹۸، ص. ۹۷). موارد ذکر شده، عصاره‌ای از ویژگی‌های برجسته شخصیت این سرباز مقتدر مکتب ولایت، دین اسلام و مذهب شیعه هستند که می‌توانند منبعی الهام‌بخش برای تربیت نسل کنونی و آینده کشور و جهان اسلام در نظام تعلیم و تربیت باشند (اسلامیان، ۱۳۹۹، ص. ۳)؛ زیرا مقام معظم رهبری - مُدَّ ظِلُّهُ الْعَالِي - (۱۳۹۸) می‌فرمایند:

اگر سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز نگاه کنیم، آن وقت، قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد؛ زیرا مکتب سلیمانی این توان را دارد که جوانان ایران اسلامی و آزادگان جهان با شناخت و تأسی از چنین مکتب درس‌آموزی سلیمانی‌های دیگری شوند (روح‌اللهی، ۱۴۰۰، ص. ۶).

بهره‌گیری از تبیین‌های حیطه عاطفی^۱، یکی از روش‌های مورد استفاده برای توضیح دادن مراحل الگوگیری و علاقه به یک الگوست. از میان هدف‌های آموزشی بلوم^۲، حیطه عاطفی، راه‌هایی را توصیف می‌کند که در آن‌ها فراگیرندگان از ارزش‌ها و نگرش‌های هدایت‌کننده رفتار آدمی آگاه می‌شوند و این ارزش‌ها و نگرش‌ها را می‌پذیرند. حوزه عاطفی بلوم، پنج طبقه اصلی دارد: دریافت‌کردن^۳، پاسخ‌دهی^۴، ارزش‌گذاری^۵، سازمان‌دهی^۶ و شخصیت‌پذیری به وسیله مجموعه‌ای از ارزش‌ها^۷. در سطح اول، حساسیت به وجود بعضی پدیده‌ها و محرک‌های محیطی، و میل به پذیرش یا توجه به آن‌ها ایجاد می‌شود. در سطح دوم، فرد علاوه بر توجه کردن به محرک‌ها، به آنچه می‌بیند یا می‌شنود، فعالانه پاسخ می‌دهد. در سطح سوم، ابراز عقیده یا نگرش در خصوص پدیده مورد توجه صورت می‌گیرد. در سطح سازمان‌دهی نیز پس از آنکه یادگیرنده طی مدتی به صورت مستمر، ارزش‌ها را به شکل درونی درآورد، با مجموعه‌ای متنوع از آن‌ها روبه‌رو می‌شود و ضرورت سازمان‌بندی و مشخص کردن روابط میان آن‌ها را احساس می‌کند. در نهایت، در سطح شخصیت‌پذیری، به وسیله مجموعه‌ای از ارزش‌ها نظام ارزشی‌ای که فرد آن را درون خود سازمان داده است، به سبک زندگی یا دیدگاهی فلسفی تبدیل می‌شود (سیف، ۱۳۹۳، ص. ۴۷۰-۴۷۴).

از نظر آیت‌الله مصباح یزدی (۱۳۹۲، ص. ۶۷-۶۸) نیز تقلید و الگوپذیری به معنای عام آن، مشتمل بر سه قسم است: محاکات، تقلید بالمعنی الأخص و اقتباس. تقلید ناآگاهانه و عاری از هرگونه اندیشه و تشخیص، محاکات نام دارد. تقلید بالمعنی الأخص، عبارت از الگوبرداری نیمه‌آگاهانه از رفتار دیگران است. اقتباس نیز به عنوان عالی‌ترین مرتبه تقلید، عبارت است از تکرار کردن عمل دیگری با آگاهی کافی از حسن کار او. این گونه تقلید و الگوبرداری به شکل کاملاً آگاهانه، هدف‌دار، و براساس علم و قصد انجام می‌شود.

-
1. Affective
 2. Bloom
 3. Receiving
 4. Responding
 5. Valuing
 6. Organization
 7. Characterization by a Value or Value Complex

از سوی دیگر، در نظریه بندورا، یادگیری از طریق مشاهده، الگوپذیری^۱ نام دارد که عبارت است از ایجاد تغییرهای شناختی، عاطفی و رفتاری بر اثر مشاهده رفتارها یا توضیحات دیگران. بندورا یادگیری از طریق مشاهده را در قالب چهار مرحله با عنوان‌های توجه، به یاد سپردن، بازآفرینی، و انگیزشی یا تقویتی شرح داده است. برای یادگیری از طریق مشاهده، ابتدا باید به آنچه قرار است یاد گرفته شود، توجه کرد. در مرحله دوم، بازنمایی اعمال مورد مشاهده، به دو صورت تجسمی و کلامی صورت می‌گیرد. در سومین مرحله، رمزهای کلامی یا تجسمی ذخیره شده در حافظه به صورت اعمال آشکار درمی‌آیند و در مرحله پایانی، فرد یادگیرنده در وضعیت مناسب انگیزشی و تشویقی، رفتاری را که مشاهده کرده است، به عملکرد تبدیل می‌کند (سیف، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۶). سرمشق‌گیری، فرایندهای شناختی را دربر می‌گیرد، فراتر از مطابقت دادن اعمال فرد با دیگران است و بازنمایی اطلاعات و ذخیره کردن آن برای استفاده در آینده را شامل می‌شود (بهزادی و محمودی، ۱۳۹۷، ص. ۳۲).

طبق نظریه ارونسون^۲، پاسخ‌دهی به نفوذ اجتماعی به سه شکل متابعت^۳، همانندسازی^۴ و درونی کردن^۵ صورت می‌گیرد. متابعت، رفتار فردی را توصیف می‌کند که به منظور کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه برانگیخته شده باشد و این حالت، ناپایدارترین سطح نفوذ است. همانندسازی، مبتنی بر آرزوی شخص برای همانند شدن با شخصیتی صاحب نفوذ است و در آن هم مانند متابعت، رفتار فرد، ناشی از رضایت درونی نیست؛ بلکه بدین منظور است که برای وی رابطه‌ای رضایت‌بخش با شخص یا اشخاصی ایجاد شود که وی مایل است با آنها همانند شود. تفاوت همانندسازی با متابعت، این است که در همانندسازی، فرد به عقاید و ارزش‌هایی که اختیار کرده است، اعتقاد می‌یابد؛ هرچند این اعتقاد، چندان استوار و پابرجا نیست. سطح سوم، درونی کردن نام دارد و درونی کردن یک ارزش یا اعتقاد، عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی به‌شمار می‌آید. انگیزه درونی کردن یک اعتقاد خاص، مبتنی بر این

-
1. Modeling
 2. Aronson
 3. Compliance
 4. Identification
 5. Internalization

تمایل است که می‌خواهیم رفتار و افکارمان درست باشند. اگر شخص صاحب‌نفوذ، مورداعتماد ما باشد و قضاوتش را معتبر بدانیم، عقیده‌ای را که وی از آن جانب‌داری می‌کند، می‌پذیریم و با نظام ارزش‌های خود ادغام می‌کنیم (ارونسون، ۱۳۸۲، ص. ۶۱-۶۲). در ادامه، برخی پژوهش‌های انجام‌شده درحوزه الگوسازی و الگوپذیری از شخصیت‌های دینی و ملی را معرفی می‌کنیم.

زارعی توپخانه در پژوهش خود (۱۳۹۲)، نگرش حضرت زینب- سلام الله علیها- به واقعه کربلا را ازدیدگاه شناختی بک^۱ بررسی و اسوه‌بودن ایشان را ترسیم کرده است. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهند حضرت زینب- سلام الله علیها- یک الگوی تربیتی موفق درحوزه سلامت روان و کنترل تکانه است و می‌توان او را به‌عنوان یک الگوی کارآمد درزمینه مدیریت اختلال‌های پس‌ضربه‌ای و داغ‌دیدگی معرفی کرد. کتابی، رحمتی و خنیفر در مقاله خود (۱۳۹۵)، با استفاده از رویکرد استقرایی، الگوی رهبری امام حسین (ع) در قیام عاشورا را استخراج کرده‌اند. آنان گردآوری داده‌ها را ازطریق بررسی اسناد و مدارک انجام داده و برای تحلیل داده‌ها و شناسایی الگو از شیوه تحلیل مضمون استفاده کرده‌اند. در پایان، به‌منظور عرضه الگوی رهبری امام (ع)، اطلاعات به‌دست‌آمده را در قالب سه مضمون فراگیر هدف، اصول و روش‌ها قرار داده‌اند.

محمدی نیز در مقاله خود (۱۳۹۰)، با هدف معرفی حضرت زهرا (س) به‌عنوان بهترین الگوی زن مسلمان و با استفاده از منابع فقهی (قرآن و روایات)، بررسی‌ای توصیفی و تحلیلی درخصوص علت الگوبودن آن حضرت انجام داده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد به‌منظور الگوپذیری از آن حضرت باید با گفتار و کردار ایشان آشنا شد و با تحلیل و استنباط سیره عملی و علمی آن بزرگوار، وظیفه خویش را در همه ابعاد زندگی سامان بخشید.

صلواتیان، گودرزی و حق‌وردی طافانکی در پژوهش خود (۱۳۹۶)، به‌منظور شناسایی الگوی رهبری شهید آوینی که با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد انجام شده و جامعه موردبررسی آنان آثار، نوشته‌ها و مصاحبه با همراهان و همکاران شهید

بوده است، پس از تحلیل و شناسه‌گذاری داده‌ها الگوی رهبری شهید آوینی را طراحی کرده‌اند. مقولات محوری این الگوی مفهومی عبارت‌اند از: نظر و عمل دینی؛ نظر و عمل تشکیلاتی؛ ولایت‌داشتن.

ضمانه‌ی و حجرگشت در پژوهش خود (۱۳۹۴)، ویژگی‌های فرماندهی شهید حسن باقری را شناسایی کرده و یک الگوی فرماندهی از سبک رهبری وی به‌دست داده‌اند. آنان در این پژوهش که از طریق مصاحبه با هم‌زمان شهید و با استفاده از روش اکتشافی و راهبردی صورت گرفته است، عناصر اصلی الگوی فرماندهی را استخراج و طراحی کرده‌اند و الگوی موردنظر آنان دارای پنج مؤلفه اصلی است: خدامحوری، حکمت‌ورزی، مهرورزی، صلابت و دشمن‌شناسی.

پژوهش شفيعی سیف‌آبادی و عابدی اردکانی (۱۴۰۰) که به‌منظور ارزیابی عوامل نفوذ الگوی رفتاری و مدیریت جهادی سردار سلیمانی در رابطه با نیروهای مقاومت در منطقه خاورمیانه، بر مبنای نظریه اورت راجرز^۱ انجام شده است، نشان می‌دهد پنج عامل ذیل به‌ترتیب، موجب افزایش یافتن نفوذ و پذیرش الگوی رفتاری و مدیریت جهادی سردار شده‌اند: چندوجهی و فراملی بودن شخصیت سردار؛ هوش زیاد و سخت‌کوشی؛ دستاوردها و برنامه‌ریزی‌های منتهی به نتایج؛ رفتارهای فردی و روحیات بی‌آلایش سردار؛ راهبردهای رزمی.

طبق پژوهش دهقانی پوده و پاشایی هولاسو (۱۳۹۹)، مکتب شهید سلیمانی پنج بُعد دارد: بُعد معنوی و ارزشی؛ بُعد فردی و رفتاری؛ بُعد فرماندهی و مدیریتی؛ بُعد نظامی؛ بُعد اثرگذاری (عملکرد). دستاورد این مکتب ارزشمند، سعادت و شهادت است.

روح‌اللهی در پژوهش خود (۱۴۰۰)، نفوذ اجتماعی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های رهبری در مکتب سردار شهید سلیمانی بررسی کرده است. وی بعد از تحلیل بیش‌از دوازده مصاحبه، سخنرانی و اسناد مرتبط با سبک رهبری و مدیریت سردار نشان داده نفوذ اجتماعی در مکتب شهید سلیمانی، مبتنی بر منابع نفوذ است که قدرت مرجعیت اجتماعی، اعتبار و جذابیت، آن را تولید می‌کند.

یکی از مهم‌ترین اقدامات، برای حفظ و تداوم مسیر پرافتخار شهید سلیمانی، انجام‌دادن پژوهش‌هایی است که با استفاده از آن‌ها می‌توان این میراث ارزشمند را از نظر علمی ثبت و درباره آن نظریه‌پردازی کرد. هرچند پیش از شهادت سردار، به عظمت نقش ایشان در اقتدار ایران اسلامی پرداخته شده بود، در مدتی کوتاه بعد از شهادت ایشان پژوهش‌هایی متعدد در حوزه‌های مختلف امنیتی، نظامی، مدیریتی، بین‌المللی، حقوقی، فرهنگ مقاومت و شهادت و... صورت گرفت و روزبه‌روز، این پژوهش‌ها افزایش می‌یابند. جای بسی خرسندی است که پس از شهادت این آبرمرد، پژوهشگران بسیاری ابعاد مختلف شخصیت ایشان را واکاوی کرده‌اند؛ اما برای تداوم یافتن مسیر آن شهید گران‌قدر، جست‌وجوی بیشتری در ابعاد گوناگون شخصیتی، رفتاری و عملکردی ایشان ضرورت دارد تا بتوان از این رهیافت، الگویی ویژه را برای جوانان این مرزوبوم استخراج کرد.

بدین ترتیب، در پژوهش حاضر، پس از معرفی نظام‌مند سردار به مشارکت‌کنندگان^۱ در این مطالعه، به این سؤال اساسی پاسخ می‌دهیم که آیا می‌توان شخصیت حاج قاسم را به‌عنوان الگویی مناسب در اختیار نسل جوان قرار داد یا خیر؛ همچنین مطالعه حاضر می‌تواند مقدمه‌ای برای پاسخ‌گویی به این سؤال باشد که چه عواملی حاج قاسم را به سردار دل‌ها تبدیل کرد و چگونه می‌توان زمینه را برای کشف چگونگی ترویج زیست قاسم‌گونه و تربیت افرادی همچون ایشان فراهم آورد و آن‌ها را به‌عنوان الگویی تربیتی به عرصه تعلیم و تربیت وارد کرد.

در پژوهش‌های متعددی که پیشتر درباره این سردار شهید بزرگوار صورت گرفته، به ابعاد مختلف شخصیت ایشان از نگاه هم‌زمان و دوستانشان، مسئولان، رسانه‌ها و... پرداخته شده است؛ اما در این پژوهش کوشیده‌ایم با استفاده از کتابی که ابعاد گوناگون از شخصیت سردار دل‌ها را تبیین می‌کند و همچنین اظهارات افراد معمولی جامعه، ظرفیت‌های تربیتی شخصیت ایشان را کشف و تحلیل کنیم؛ بنابراین، پژوهش حاضر که از طریق مطالعه کتاب سلیمانی عزیز از سوی دانشجویان و سپس مصاحبه با آن‌ها

۱. از طریق هدیه‌دادن کتاب سلیمانی عزیز به دانشجویان مشارکت‌کننده و درخواست مطالعه کتاب از ایشان

درخصوص شهید و میزان اثرپذیری‌شان از شخصیت این سردار صورت گرفته است، کاری جدید در جامعه علمی به‌شمار می‌آید.

روش پژوهش

مقاله حاضر، دارای رویکرد کیفی با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی است و در آن، درصدد کشف و تفسیر نظرهای مشارکت‌کنندگان درخصوص شخصیت حاج قاسم سلیمانی بوده‌ایم. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان پسر دانشگاه فردوسی مشهد در مقطع کارشناسی در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ را شامل می‌شود و از میان آن‌ها پانزده نفر را با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند موارد نوعی^۱ برای انجام‌دادن مصاحبه انتخاب کردیم. مصاحبه با استفاده از دو روش ساختاریافته و نیمه‌ساختاریافته، به‌صورت تلفنی و حضوری، با نمونه‌های منتخب که در بازه سنی ۲۰ تا ۲۶ سال قرار داشتند، انجام شد. بعداز گفت‌وگوی اولیه با دانشجویان منتخب و جلب نظر ایشان برای مشارکت در پژوهش، یک جلد کتاب سلیمانی عزیز به آن‌ها اهدا و برای مصاحبه با ایشان، وقت تعیین شد. زمان انجام‌شدن مصاحبه‌ها متغیر بود؛ اما معمولاً یک تا سه هفته بعداز اهدای کتاب، مصاحبه صورت می‌گرفت. پژوهشگران براساس ادبیات نظری، مشاهدات و روند مصاحبه، محورهای سؤال‌های مصاحبه را تعیین می‌کردند و اساسی‌ترین پرسش آن‌ها مرتبط با قابلیت الگوسازی و الگوپذیری از شخصیت سردار بود. میانگین زمان مصاحبه‌های صورت‌گرفته، ۱۵ تا ۴۵ دقیقه بود و درنهایت، به‌دنبال تحلیل دوازده مصاحبه، پژوهشگران به اشباع نظری دست یافتند؛ اما برای کسب اطمینان، این فرایند را تا مصاحبه پانزدهم ادامه دادند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها براساس روش کدگذاری استراوس و کوربین^۲ (۱۳۹۰)، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، به‌صورت دستی انجام شد؛ بدین شرح که در مرحله اول و پس‌از مکتوب‌کردن متن مصاحبه‌ها درمجموع، ۵۷۲ مفهوم شناسایی و نام‌گذاری شد؛ سپس در مرحله دوم کدگذاری، برای دستیابی به یک محور مشترک، طبقه‌بندی مفاهیم ایجادشده در مرحله

1. Typical Case Sampling
2. Strauss and Corbin

قبل در قالب ۳۸ مقوله صورت گرفت و در نهایت، مقوله‌های به دست آمده ذیل هشت مضمون و پنج سطح جای داده شدند.

برای تفسیر داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، از الگوهای نفوذ اجتماعی اورنسون، یادگیری مشاهده‌ای بندورا، اقسام الگوپذیری آیت الله مصباح یزدی و سطوح یادگیری حیطة عاطفی بلوم استفاده کرده‌ایم. در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم مدل‌هایی مختلف را برای سطوح الگوگیری به دست دهیم تا با ترکیب آن‌ها مناسب‌ترین مدل، متناسب با داده‌های به دست آمده به کار گرفته شود. مطالعه و ادغام مدل‌ها بعد از انجام دادن دو مرحله کدگذاری باز و محوری، و تقریباً همگام با انتزاع مضامین از دل مقوله‌ها (کدگذاری انتخابی) صورت گرفت و هیچ‌یک از مدل‌های موجود به تنهایی برای تبیین و تفسیر داده‌های حاصل شده از مصاحبه‌های این پژوهش، مکفی نبودند. برای اعتبارسنجی یافته‌ها خودبازبینی مکرر داده‌ها انجام شد. خودبازبینی محققان طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، یکی از روش‌های مورد استفاده برای افزایش‌دهی قابلیت اعتبار در پژوهش‌های کیفی است (عباس‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۲۴).

در این مطالعه، به دنبال آن بوده‌ایم که اثری را به مخاطبان معرفی کنیم که ابعاد مختلف از شخصیت و سیره سردار در آن، متجلی باشد و بتواند مجموعه دانش‌ها و برداشت‌های ایجاد شده از سوی صداوسیما و دیگر رسانه‌ها در ذهن جوانان معمولی (نه گروه‌های افراطی) را انتظام بخشد. کتاب سلیمانی عزیز که در این پژوهش از آن استفاده کرده‌ایم، توانسته است معرفی نظام‌مند سردار را به بهترین شکل انجام دهد و مجموع دانسته‌های مخاطبان در خصوص این شهید والامقام را گرد آورد؛ از این روی، پس از بررسی اولیه و همچنین مشورت با یکی از نویسندگان حوزه دفاع مقدس، این کتاب را برگزیدیم. تفاوت این کتاب با دیگر کتاب‌های نوشته شده راجع به سردار گرانقدر، از این جهت‌هاست: جذابیت، اختصار، خاطره‌وار بودن، استفاده از روایان مختلف، پرداختن به ابعاد گوناگون شخصیت سردار با جهت‌گیری اجتماعی و نه صرفاً نظامی، و گریززدن به دوره‌های مختلف زندگی ایشان. چاپ اول این کتاب در بهمن ۱۳۹۸ (مصادف با چهلیم سردار) صورت گرفت و تا پاییز ۱۴۰۰، این اثر به چاپ هشتم رسیده است.

۱. در کتاب سلیمانی عزیز که ۲۵۵ صفحه دارد، ضمن عرضه زندگینامه، وصیتنامه و تصاویری از سردار سلیمانی، ۱۹۵ خاطره از ایشان بیان شده است. خاطرات بیان شده، دارای موضوع‌های اخلاقی (۷۷)، مذهبی (۳۴) ←

یافته‌های پژوهش

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها مفاهیم کشف شده براساس ارتباط معنایی مقوله بندی شدند و سپس ذیل هشت مضمون بدین شرح قرار گرفتند: برجستگی اخلاق فردی سردار؛ برجستگی اخلاق بین فردی سردار؛ برجستگی سبک مدیریتی سردار؛ اثرپذیری عاطفی مخاطب از سردار؛ اثرپذیری شناختی مخاطب از سردار؛ تلاش برای تغییر دادن دیدگاه و رفتار مخاطب؛ مطالبه گری الگوسازی از سردار؛ آثار اجتماعی الگوگیری از سردار. در مرحله بعد، این مضمون‌ها براساس مدلی با اقتباس از چهار مدل حیطه عاطفی بلوم، یادگیری مشاهده‌ای بندورا، نفوذ اجتماعی ارونسون و اقسام الگوپذیری مصباح یزدی، در پنج سطح بدین شرح جای گرفتند: جذابیت سردار؛ تثبیت جذابیت؛ اراده در تغییر رفتار؛ ظهور کنش؛ کنش‌گزینی متعالی.

جدول ۱. یافته‌های پژوهش: سطح یک تا پنج الگوپذیری از سردار

سطح ۱. جذابیت سردار (توجه و پاسخ اولیه)			
مضمون (n:3)	مقوله (n:16)	مفاهیم (n:258)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
برجستگی اخلاق فردی سردار	اخلاص	۳۳	۶. سردار خیلی اخلاص داشت؛ اینکه یه کاری رو انجام بدی صرفاً برای خدا و مهم نباشه که کسی تشویقت می‌کنه یا ازت بد می‌گه.
			۷. چیزی که باعث شد سردار به این جایگاه برسند، همون بحث دیده‌نشدن و اخلاص بود.
			۱۳. هرچی جلوتر می‌رفتی، می‌دیدي کارهایی که سردار انجام می‌داده، همه با خلوص کامل بوده.
ایمان	۳۰	۹. حاج قاسم با ایمان راسخی کارها رو انجام می‌داد و فکر نمی‌کرد می‌شه یا نمی‌شه؛ یعنی اگر بخوام نمونه عینی توکل رو بیان کنم، رفتارهای حاج قاسم توی عراقه.	۱۱. وقتی آدم اعتقاد به این قدرتمندی داشته باشه، استوار هست

→ خانوادگی (۱۲)، دفاع مقدس (۱۰)، و فعالیت‌های سیاسی و نظامی (۶۲) هستند و راویان آن‌ها عبارت‌اند از: مقام معظم رهبری، مقامات کشوری و لشکری، خانواده‌های شهدا، و هم‌زمان و آشنایان شهید. علاوه بر آنچه گفتیم، نامه‌ها، خاطرات و سخنرانی‌های سردار نیز در این کتاب ارزشمند ثبت شده‌اند.

سطح ۱. جذابیت سردار (توجه و پاسخ اولیه)			
مضمون (n:3)	مقوله (n:16)	مفاهیم (n:258)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
			و با اون اراده و اعتقادش می‌تونه بره جلو و کارهاش رو با تمرکز بالا انجام بده.
ولایت مداری	۵		۲. درجه شهادت هر شهید، به ارزیابی دو خصوصیت ولایت‌مداری و احترام به والدینه؛ یعنی هرکس ولایت‌مدارتر، درجه بالاتر.
دلاوری و شکیبایی	۲۲		۹. جالب بود که فردی این قدر راحت بره با چیزی به اسم داعش که همه ازش می‌ترسند، مبارزه کنه. ۵. در یکی از عملیات‌ها تیر خورده بودن؛ اما عملیات رو ول نکرده بودند. ۱۵. شهید روحیه «لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» داشتند. درواقع، همه جا رفتار و سبک زندگی و نمود همه باورهاشون بوده که بدون ترس در جبهه‌ها و جاهای مختلف حضور داشته باشند.
غیرتمندی و عرق ملی	۸		۴. مردانگی و غیرت شهید به ناموس و کشورشون مورد استقبال همه هست. ممکنه اخلاق را همه بدیهی فرض کنن و بگن: «اخلاق رو وجدان ما می‌فهمه» که صرفاً این‌طور نیست. ۳. عرق ملی سردار می‌تونه روی قشر نوجوان و جوان تأثیرگذار باشه. روی من که خیلی تأثیر گذاشت.
بالندگی و سرزندگی	۱۲		۹. یک فرد باید بیداری روحی خیلی بالایی داشته باشه که بتونه این قدر جذاب باشه برای بقیه. ۴. داستانی بود که شهید با اینکه خیلی ترکش توی بدنش بود، بازهم از بقیه خیلی سرحال‌تر بود؛ یعنی روح شهید این قدر استوار بود که به جسمش هم سرایت کرده بود. ۱۱. یک دونه، یک تفکر کوچیکه که وقتی بچه‌ای، توی ذهنت کاشته می‌شه و در جوانی اگر همون رو گسترش بدی، می‌تونی به اون جایگاه برسی. فکر می‌کنم سردار به اوج اون پرورش نهال رسیده بود.
اراده و	۱۶		۱۱. اراده قوی داشتند. این خیلی مهمه که یه کاری رو که یک

سطح ۱. جذابیت سردار (توجه و پاسخ اولیه)			
مضمون (n:3)	مقوله (n:16)	مفاهیم (n:258)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
	تلاش		نفر داره تعلل می‌کنه، تو در هر سطحی که باشی، خودت بری انجامش بدی. ۷. حاج قاسم یک نفر بود؛ ولی تأثیرگذاریش بالا. زمان سقوط سوریه که همه ناامید شده بودند، باعث شدند سوریه دوباره برگردد.
	احترام گزاردن به والدین	۱۰	۳. خاطره‌ای که پدرشون در بیمارستان، بستری بودند و سردار همه رو بیرون می‌کنند و پای پدرشون رو می‌بوسند، خیلی خوب بود. ۵. هر شب زنگ می‌زدند به پدر و مادرشون و جویای احوال می‌شدند. با اینکه از لحاظ امنیتی، خیلی دچار محدودیت بودند، سیم‌کارت رو عوض می‌کردند یا از کس دیگه‌ای گوشی می‌گرفتند.
	فروتنی	۲۸	۵. وقتی فرمانده سپاه شده بودند، هنوز بهشون حاج قاسم می‌گفتند؛ ولی خودشون به حاج قاسم هم راضی نبودند و می‌گفتند: «به من بگین قاسم». ۱. سردار هیچ وقت خودش را بیشتر از «حاج قاسم» نمی‌دید. بیشترین تعریف، همان «حاجی» بود. «سردار» و «ذوالفقار» و «مالک اشتر» را در خودش نمی‌دید. حتی در نامه‌های رسمی هم این موارد رو لحاظ می‌کرد و می‌نوشت: «سرباز اسلام»، «سرباز شما»، «برادر کوچک شما»، «قاسم سلیمانی». ۳. سردار با مدافعان حرم، سر یک سفره غذا می‌خوردند یا حتی یک بطری آبی بود که قبلاً استفاده شده بود؛ اما سردار از اون استفاده می‌کنند.
	مهربانی و عظوفت	۱۱	۱۱. اگر یک نفر را قبول می‌کردند که باهاش مصاحبه کنند، یک رفتاری باهاش داشتند و اگر کسی رو رد می‌کردند، جور دیگه و بهشون هدیه‌ای می‌دادند که از دلشون دربیارند. ۱. محبت و دل‌رحمی سردار نمی‌گذاشت هیچ کس از او ناراحت شود و در حالت‌های مختلف از همه دلجویی می‌کرد.

سطح ۱. جذابیت سردار (توجه و پاسخ اولیه)			
مضمون (n:3)	مقوله (n:16)	مفاهیم (n:258)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
خوش برخوردی و مردمی بودن	۲۰		۱۴. خیلی جاها برای امنیتشون باید کارهایی می‌شد؛ درحالی که خودشون رو نادیده می‌گرفتند و کاری می‌کردن که اون مسیر، بهتر جلو بره.
			۱۵. سردار خودشون وارد کار می‌شدند و مشکل رو بررسی می‌کردند؛ همون‌جور که عده‌ای از مسئولان وقتی که سیل اومد، محل مأموریتشون نبودند؛ سردار حاضر شد و مردم مشکلات رو مطرح می‌کردند و می‌شنید.
			۹. این‌قدر بعضی از فعالیت‌هاش جذابه که آدم وقتی حتی راجع بهش می‌خونه یا می‌شنوه، دلش می‌ریزه؛ بغض گلوش رو می‌گیره. نمی‌تونم به کلمه بگم چه حسی رو منتقل می‌کنه؛ ولی خیلی زیباست. نمونه‌ش توی هیچ چیز نیست؛ نه توی پول، نه مدرک، نه دانش.
روحیه ایثار و جهادگری	۲۶		۱۱. شاید اولین باری که به یک نفر کمک کرده، اولین باری که فکر کرده می‌تونه مفید باشه برای یک جامعه، اون فکر رو گسترش داده و از اون فکر لذت برده و با تمام وجود، خودش رو وقف کرده برای اینکه کار خوبی انجام بده توی زندگیش.
			۱۲. واقعاً فکرش رو نمی‌کردم که درخصوص فداکاری‌های سردار، چنین مواردی وجود داشته باشه.
رسیدگی به خانواده‌ها ی شهدا و جانبازان	۴		۵. خیلی به فکر خانواده‌های شهدا و بچه‌های کوچیکشون بودند. همیشه سر می‌زدند؛ با اینکه مشغله‌های کاری زیادی داشتند. یا هر سال عید می‌رفتند خونه یکی از دوستانشون که جانباز بودند از ناحیه کمر به پایین. حمومش می‌کردند و غذا درست می‌کردند و باهاش می‌رفتند بیرون.
			۶. چیزی که نقطه کمال یک آدمه، اینه که به وقتش قاطع باشی، به وقتش جلوی یک سری افراد، سخت باشی و به وقتش آرام، مهربان و نرم.
برجستگی سبک مدیریتی سردار	۷		۷. سردار واقعاً «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم» بودند.
			۱. در جنگ آخری که با داعش داشتند و روی نیروها خیلی فشار
فرماندهی	۱۸		

سطح ۱. جذابیت سردار (توجه و پاسخ اولیه)			
مضمون (n:3)	مقوله (n:16)	مفاهیم (n:258)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
	قوی		<p>بوده و خسته بودند، به سردار اعتراض می‌کنند که: «خسته شدیم! گوش‌هامون خون‌ریزی کرده از انفجارات!». سردار می‌گن: «باشه! شما بمونید! خودم می‌رم!»؛ اما دوباره همه راه می‌افتن دنبال سردار.</p> <p>۵. در اون حال که دوست قدیمشون، حاج احمد شهید شده بودند، یکی بهشون زنگ زد و باهاشون کار داشت؛ اما نگفتن: «الان نمی‌تونم!». همون جا گفتن: «به بچه‌ها می‌گم کار رو انجام بدن».</p> <p>۱۱. خیلی مهمه که یک نفر باهات محکم حرف بزنه و بهت دستور بده؛ اما از اون دستور و محکم حرف‌زدن لذت ببری.</p>
	سوءاستفاد ه‌نکردن از جایگاه سیاسی	۸	<p>۵. از جایگاهشون اصلاً سوءاستفاده نمی‌کردند. دخترشون گفته بودند یکی از استادها فهمیده بود ایشون دختر قاسم سلیمانیه و واسه یکی از درس‌ها مشکل پیش اومده بود؛ بعد حاج قاسم به دخترشون گفتن: «به هیچ عنوان اسم منو نبر!».</p> <p>۴. اطرافیان فهمیده بودند که سردار مشکلات مالی دارن و گفته بودند عملیات بعدی رو جلوتر حساب کنند با شهید؛ ولی شهید بدون تعارف گفته بودند: «چرا بدون اجازه من این کار رو کردید؟».</p>
سطح ۲. تثبیت جذابیت (تکرار منظم پاسخ‌ها)			
مضمون (n:2)	مقوله (n:13)	مفاهیم (n:150)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
ارتزبیری عاطفی مخاطب.	حیرت‌انگیز و منحصربه فرد بودن سردار	۱۹	<p>۴. وقتی اشرار سمت کردستان رو جمع کرده بود، بزرگ اشرار که تو صف ایستاده بود اسلحه کلاشینکفش رو تحویل بده، گفته بود: «ما سلاح‌هامون رو به جمهوری سلیمانی تقدیم کردیم».</p> <p>۶. چقدر تو زندگی شخصی و ارتباطات بین‌فردی، چه خانواده و کاری، با ملاحظه و حساب‌شده کار می‌کردند!</p> <p>۲. سردار به‌خاطر خلوص و ولایت‌مداری و احترام به والدینشون موردعلاقه مردم بودند. جوابش شبیه جواب‌های دوران دبیرستان</p>

سطح ۲. تثبیت جذابیت (تکرار منظم پاسخ‌ها)			
مضمون (n:2)	مقوله (n:13)	مفاهیم (n:150)	شماره مشارکت‌کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان
			درس دین و زندگی شد؛ ولی خوب، ایشان به این جواب‌های انتزاعی یا نمی‌دونم جواب‌های سردی که اون موقع می‌دادیم، جان بخشید.
امیدآفرینی و انگیزه‌بخشی اقدامات و رفتار سردار	۷		۷. کتاب، باعث انگیزه و پُرکاری و امید به کارهایی که می‌کنیم، شد. همون کارهایی که قبلاً می‌کردیم رو با انرژی بیشتری انجام می‌دیم. ۱۱. قشر جوان ما اکثرشون، حتی همین هم‌دانشگاهی‌هام به این اعتقادند که ما توی مملکتمون آدمی نداریم که خالصانه کار کنه. وقتی این اتفاق می‌افته، دیگه کسی هیچ امیدی نداره برای اینکه کاری رو درست جلو بیره؛ ولی وقتی کتاب رو بخونی، یک ذره تفکرات عوض می‌شه.
افزایش یافتن ارادت به سردار	۷		۶. قبلاً ارادت داشتم به سردار؛ ولی با خوندن، باعث می‌شه آدم محبت بیشتری نسبت به اون شخصیت پیدا کنه. ۴. این کتاب آن‌قدر تأثیرگذار بوده و عقیده‌م پر بود از شخصیت و اخلاق و اعمال سردار که امروز صبح به ذهنم اومد شعری برای سردار بنویسم؛ خیلی راحت، در عرض ۲,۵ ساعت؛ درحالی که در حالت عادی، نوشتن یک شعر حدوداً یک روز برام وقت می‌بره.
عزتمندی و غرورآفرینی سردار برای مردم ایران	۱۱		۱۴. در بحث عزت ملی، ایشان خدمات گسترده‌ای انجام داد و باعث شد که مردم احساس غرور کنند. لقب ژنرال، ابهت و عزت، بحث مهمی است که شاید مردم غفلت کنند و بگویند که: «ما نون و آب داشته باشیم، کافیه!»؛ ولی به‌جاش اتفاقاً همون عزت ملی می‌شه معیار. ۵. یه جاهایی آدم احساس غرور می‌کنه؛ مثلاً سردار پوتین رو کشونده بودن تو سوریه تا بجنگه؛ یا اینکه خود حاج قاسم گفته بودند: «لذت‌بخش‌ترین نمازی که خوندم، تو کاخ کرملین بود که قبلش دشمن داشته نقشه می‌کشیده ایران رو از هم بپاشه».
شهادت بهنگام	۱۳		۱۵. شهادت لیاقت می‌خواد و هرکسی نمی‌تونه شهید بشه؛ کما

سطح ۲. تثبیت جذابیت (تکرار منظم پاسخ‌ها)			
مضمون (n:2)	مقوله (n:13)	مفاهیم (n:150)	شماره مشارکت‌کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان
	سردار و شایستگی ایشان برای شهادت		اینکه بعضاً گفته می‌شه که: «باید شهید باشی که شهید بشی». ۱. سردار خودشان جایی می‌نویسد که بحث شهادتش می‌شود و یک نفر می‌گه که: «شما زنده‌تون بیشتر برای اسلام مفیده»؛ بعد سردار می‌گن: «در این مقطع زمانی، خونم بیشتر ارزش داره».
	محبوبیت فوق‌العاده و تشیع جنازه باشکوه سردار	۱۵	۶. سردار از محبوب‌ترین آدم‌هایی بودند که ما توی کشور داشتیم. ۹. زمانی که خبر فوت حاج قاسم رسید، همه افرادی که می‌شناختم، چه این‌وری و چه اون‌وری، تحت تأثیر قرار گرفته بودند و بغض گلوشون رو گرفته بود و بهترین تشییع جنازه گرفته شد. ۱۳. جامعه به سردار علاقه‌منده؛ چون دیده کارهاش رو و اینکه برای این کارهایی که می‌کنه، اصلاً مزد و منتی از مردم نمی‌خواد.
	حسرت و دلنگی بعد از شهادت سردار	۷	۱۰. فهمیدم ما چه انسان‌های رحیمی داشتیم در مناصب مهم که شاید خیلی از توده‌های مردم چنین شناختی رو از شخصیت ایشان نداشتند. ۹. وضعیت موجود، خیلی تاریک شده و شاید خیلی‌ها دلشون شکست؛ چون تنها فردی که اون حال‌وهوا رو هنوز حفظ کرده بود، شهید شد.
	متأثر شدن دانشجویان در پی مطالعه برخی مطالب کتاب	۵	۹. یک جای کتاب بود که تأثیرگذار بود و من اشکم دراومد: جایی که حاج قاسم داشت تجربه یکی از شهیدان رو به خانواده‌ش عنوان می‌کرد. ۶. یه جاهایی واقعاً گریه کردم وقتی می‌خوندم.
	افزایش یافتن شناخت دانشجویان از سردار در پی مطالعه کتاب	۳۳	۵. فکر می‌کردم سردار بیرون‌گودند و فقط نقشه‌های استراتژی رو می‌کشند و اینکه کتاب گفته در همه عملیات‌ها بودند، برام عجیب بود. ۱۰. شناختم از سردار خیلی بیشتر شد. کتاب درمورد شخصیت قاسم سلیمانی، درمورد رفتارهای ایشان از دوران کودکی و نوجوانی‌شون تا شهادت صحبت کرده بود. ۱۱. سردار از تصویر خشکی که روی تلویزیون بود، به یک

سطح ۲. تثبیت جذابیت (تکرار منظم پاسخ‌ها)			
مضمون (n:2)	مقوله (n:13)	مفاهیم (n:150)	شماره مشارکت‌کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان
			موجود زنده برام تبدیل شد که می‌تونم تصورش کنم. وقتی اومده بودن مشهد، تو مجلسشون شرکت کردم؛ ولی الان که کتاب رو خوندم، احساس می‌کنم هیچی نمی‌فهمیدم اون موقع و شاید اگر زودتر این کتاب رو خونده بودم، خیلی رفتارم همون روزها فرق می‌کرد و شاید بیشتر گریه می‌کردم.
چندبعدی و کامل بودن شخصیت سردار	۱۵		۴. شهید واقعاً یک آبرنسان بودند. توی جامعه الان که واقعاً فساد اخلاقی همه جا هست، نمی‌شود یک چنین شخصیتی پیدا کرد با این حجم از اخلاق و بزرگی و عظمت روحی. ۱۱. کتاب یک سری آرمان‌هایی که ما می‌خواهیم انجام بدیم را آورده بود و گفته بود که شهید سلیمانی همه این‌ها را داشتند.
سردار، نماد شهدای ایرانی	۴		۲. سردار نمونه کامل یه شهیدند. انگار تمام خصوصیات، خوبی و رفتار شهدا در حاجی سلیمانی جمع شده؛ به همین دلیل با نشر زندگی سردار، انگار زندگی تمام شهدا رو نشر دادین.
ملی و بین‌المللی بودن شخصیت سردار	۸		۴. وقتی آمریکای خبیث ایشون رو به شهادت رسوند، دیدیم که توی جهان، چقدر تأثیر داشت. ۱۵. حاج قاسم قهرمان ملی بود و حتی فراتر، جهانی بود. خیلی‌ها در اقصا نقاط دنیا سردار رو می‌شناسند و به خاطر رفتاری که با اقشار مختلف داشتند، شهادتشون جهان رو متأثر کرد.
تغییر دیدگاه دانشجویان درباره سیاست ایران در منطقه	۶		۴. دید من توی سیاست‌های ایران در منطقه، مثبت نبود و شاید تحت تأثیر اطرافیان و رسانه‌های غربی بود. همیشه مثالم این بود: «چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است»؛ اما بعد از خواندن این کتاب و اینکه سید حسن نصرالله چه ارتباطی با شهید داشتند و چه گفت‌وگوهای بین سردار و سربازان دیگر شد، خیلی تأثیر گذاشت توی دیدگاهم.

سطح ۳. اراده در تغییر رفتار			
مضمون (n:2)	مقوله (n:7)	مفاهیم (n:127)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
نمایش برای تغییر دادن دیدگاه و رفتار تلاش برای تغییر دادن دیدگاه و رفتار	تمایل دانشجویان به الگو قراردادن سردار و ادامه دادن راه ایشان	۱۹	۶. آدم خیلی سردارو با خودش مقایسه می‌کنه. وقتی این همه زحمت و تلاش رو می‌بینه، می‌گه: «من چه کار کردم؟ من وضعیتم چه جوریه؟» ۹. پدرم درگیر مسائل کار جدید بود. باهش صحبت کردم. گفتم: «یک سرداری تو کشور بوده؛ این جور شخصیتی داشته؛ کارها را سخت نمی‌گرفته و توی دل اتفاق‌ها می‌رفته». حدود دو الی سه ساعت، مکالمه‌م با پدرم طول کشید و این الگو بیشتر نمایان شد که تو هم می‌تونی. ۴. نمی‌شه شخصیتی با این عظمت، جانش را فدا کند و ما کاری نکنیم.
	تمایل داشتن دانشجویان به تغییر دادن رفتار خود تحت تأثیر شخصیت سردار	۳۱	۱۲. به ذهنم خطور کرده که اخلاص بیشتری داشته باشم در کارها. ۵. به این فکر کردم با رسیدن به هر جایگاهی آدم نباید گذشته رو فراموش کنه و سر هر مسئله‌ای با بقیه دعوا نکنه. خیلی از کارها رو شاید دیگه الان انجام ندیم... ایشون واقعاً آدم مسئولیت‌پذیری بودند و منم سعی می‌کنم مسئولیت‌پذیر باشم در هر شرایطی. ۳. اینکه سردار به جایگاه بزرگی می‌رسند؛ ولی احترام به پدر و مادر را رعایت می‌کنند، من را مجاب کرد که در این بخش، بهتر کار کنم. ۱۱. احساس خیلی خوبی وجود داره که بخوایی نزدیک بشی به سردار؛ یعنی وقتی حجم بالایی از فداکاری رو می‌بینی، ناخودآگاه جذبش می‌شی. ۹. با خودم گفتم: «اگر فردی بوده که تو دل سخت‌ترین مشکلات رفته با آرامش، پس منم می‌تونم».

سطح ۳. اراده در تغییر رفتار			
مضمون (n:2)	مقوله (n:7)	مفاهیم (n:127)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
مطالبه‌گری الگوسازی از سردار	ضروری دانستن شناساندن سردار	۳۳	۱۳. با شناساندن دقیق سردار از طریق رسانه، افراد معاند کمتر می‌توانند شخصیت سردار را تحریف کنند. ۱۵. اگر یک‌سری چیزها حفظ نشه و نشر پیدا نکنه، طبیعتاً نسل‌ها که عوض می‌شند، تاریخ به فراموشی سپرده می‌شه. ۱۱. دوستایی دارم که حتی اعتقادشان هم زیاده؛ ولی خیلی از چیزها را از سردار نمی‌دونند. اگر کتاب رو بخوندند، خیلی خوب می‌شه برایشون.
	تمایل ایرانیان به بیشتر شناخته شدن سردار و شهدا، و الگوگیری از آنان	۹	۲. دوستان و نزدیکان زیادی بودن که زمان شهادت سردار و بعد از شناخت بیشتر ایشان سخت تلاش کردن تا هم انتقام سردار رو بگیرن و هم خودشون بشن یک سلیمانی توی حوزه خودشون. ۱. تو خونه مون وقتی پدرم دیدن عکس سردار روی کتابه، شروع کردن به خوندن؛ بعد دیگه نمی‌تونستن پاشن.
	مزیت الگوسازی از سردار	۱۴	۱۲. سردار الگویی هست که می‌تونه موجب اتحاد اقشار جامعه و جذب قشر خاکستری مردم بشه؛ همون‌جور که در بحث شهادت و تشییعشون هم شاهد بودیم. ۲. همه ما هدفی داریم که عاقبت به‌خیری و رسیدن به سعادت و لقاءالله است، و شهدا این مسیر رو به‌خوبی طی کردن و به همین دلیل، الگوی خوبی می‌تونند باشن و با توجه به اینکه شهدای مدافع حرم تو زمان ما بودن، رسیدن به این هدف رو برامون آسون‌تر می‌کنن.

سطح ۳. اراده در تغییر رفتار			
مضمون (n:2)	مقوله (n:7)	مفاهیم (n:127)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
			۸. با ارائه این کتاب می‌تونیم جوان‌ها رو برگردونیم سمت فرهنگ خودمون.
کوتاهی مسئولان درزمینه الگوسازی از شهدا	۵		۱۲. عده‌ای هستند که یک‌سری الگوهای تخیلی واسه خودشون تعریف کردند و اون‌ها رو دارند تحمیل می‌کنند به مردم کل دنیا، و ما چنین الگوهای بزرگی داریم؛ متتها تبلیغشون نمی‌کنیم. جنگ فرهنگی اگر هست واقعاً، دفاع فرهنگی مون متأسفانه خیلی ضعیفه. ۵. اشکال اینه که جوان‌های ما- فکر کنم کم‌کاری دولت هم بوده- هیچ شناختی از جنگ ندارند و کل جنگ شده چهار صفحه تو کتاب دبیرستان و راهنمایی که همون چهار صفحه هم همش عکسه. نه می‌دونند همت کیه، نه باکری و نه برونسی.
پیشنهادهایی برای افزایش یافتن الگوگیری از شخصیت سردار و دیگر شهدا	۱۶		۵. مثلاً همین کتاب رو که من خوندم، می‌دم به یک نفر دیگه هم بخونه. مردم هیچ شناختی ندارند و فهمشون پایینه و میگن: «چرا سردار رفته اونجا جنگیده؟». این کتاب دست هرکسی باشه و چند صفحه‌ش رو بخونه، ۱۸۰ درجه نظرش عوض می‌شه. ۱. سردار سلیمانی حالت برندینگ داره و چقدر خوبه که از این برنبدون سردار برای معرفی خودش استفاده بشه!

سطح ۴. ظهور کنش با ترویج یاد و مکتب سردار			
مضمون (n:1)	مقوله (n:1)	مفاهیم (n:22)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
کنش‌های ترویج تحت تأثیر سردار		۲۲	۸. برای خانواده، خاطرات سردار رو چندین بار تعریف کردم و اون‌ها هم خیلی استقبال کردند و کتاب رو بهشون دادم که بخوندند. خیلی دوست دارم با معرفی این کتاب بتونم جوان‌ها رو مثل خودم با این افکار و فرهنگ‌ها آشنا کنم. حاضرم هر کاری انجام بدم. ۱۱. درحین خواندن کتاب با خودم می‌گفتم: «اگر فلانی اینو بدون، خیلی روش تأثیر داره!»؛ برای همین، از بعضی قسمت‌های کتاب اسکرین‌شات می‌گرفتم و براشون می‌فرستادم، واقعاً لذت می‌بردند و مثلاً می‌گفتند: «تو الان اینو واسه ما فرستادی، یعنی خورش اومده؟». ۳. وقتی می‌خواستم کتاب رو برگردونم، دنبال این بودم که چند روز بیشتر دستم باشه که به بقیه هم قرض بدم؛ ولی الان که گفتین هدیه‌ست، خیلی خوشحال شدم؛ چون می‌تونم به فامیل و دوستان قرض بدم و این تأثیری که روی من داشته رو روی بقیه هم بگذاره.
سطح ۵. کنش‌گزینی متعالی			
مضمون (n:1)	مقوله (n:1)	مفاهیم (n:15)	شماره مشارکت کننده: نمونه دیدگاه‌های مشارکت کنندگان
کنش‌های متعالی تحت تأثیر سردار		۱۵	۴. احساس می‌کنم دیدگاهی که این کتاب در من ایجاد کرد، خیلی مستمر خواهد بود و سردار یک تغییر دائمی در من ایجاد کرد. شاید باورت نشه! توی این چند روز، رفتارهام هم عوض شده. ۱۴. سعی کردم که خودم رو بیشتر تطبیق بدم با خصوصیات سردار. یک‌سری ملاحظه‌کاری‌هایی رو قبلاً می‌کردم که الان احساس کردم که اون ملاحظه‌کاری‌ها رو نباید بکنم و یا مثلاً خیلی رفتارها برام شبیه بود که مثلاً درسته یا نه، و با خواندن کتاب، متوجه شدم که این رفتار درسته؛ چون سبک و سیره سردار، همین بوده. ۵. با خواندن کتاب سعی می‌کنم فکرهای تو ذهنم رو اصلاح کنم. ۸. سعی کردم بعضی ویژگی‌های ایشون رو در خودم نهادینه کنم. بعضی‌هاش عملی شده و بعضی‌هاش هنوز نه؛ مثلاً بدرفتاری، با تندی برخورد کردن و این‌جور چیزها رو سعی کردم کنار بگذارم.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، با استفاده از ابزار مصاحبه و با تکیه بر تحلیل‌های متناسب با رویکرد کیفی، تجربه زیسته تعدادی دانشجو، از طریق زیست در فضای متقارن با دو دهه پایانی حیات سردار و به‌ویژه دوره پسا‌شهادت ایشان و نیز مطالعه کتاب سلیمانی عزیز کاوش شد. محور اصلی مصاحبه‌ها واکاوی تجارب‌زیسته مشارکت‌کنندگان درخصوص چگونگی برداشت از واقعیت شخصیت سردار و سطح آن‌ها در فرایند الگوگیری از ایشان بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد روایت‌های پیش و به‌ویژه بعد از شهادت سردار درباره زندگی ایشان و مجموعه فعالیت‌های رسانه‌ای و فضای اجتماعی، در طبقات متوسط جامعه ما باور به وجود داشتن ویژگی‌های فردی- شخصیتی همچون اخلاص و ایمان سردار، فروتنی توأم با دل‌آوری و غیرتمندی وی و همچنین برخی خصوصیات اخلاقی بین‌فردی نظیر احترام‌گزاردن به والدین را، به‌رغم اذعان به وجوه برجسته سردار به‌عنوان یک فرمانده نظامی به‌وجود آورده است.

با توجه به کدهای اظهارشده از سوی مشارکت‌کنندگان نتیجه می‌گیریم تقریباً تمام مشارکت‌کنندگان، حتی قبل از مطالعه کتاب، وارد مرحله جذب اولیه (توجه و پاسخ)، یعنی سطح اول و دوم حیطه عاطفی^۱ بلوم و یادگیری شناختی بندورا شده بودند؛ اما پس از مطالعه، چه به‌لحاظ شناختی و چه به‌لحاظ عاطفی، بیشتر تحت تأثیر بینش و کُنش سردار قرار گرفتند. ایجاد روحیه غرور ملی، امیدآفرینی و احساس عظمت ملی برای سردار، افزایش ارادت عمیق به سردار دل‌ها، و حتی تغییر و اصلاح برخی دیدگاه‌های سیاسی عوامانه شکل گرفته تحت تأثیر رسانه‌های بیگانه، از مصادیق چنین فرایندی بوده و کم‌وبیش نشان‌دهنده ورود به سطح سوم حیطه عاطفی، یعنی ارزش‌گذاری^۲ در مشارکت‌کنندگان است. اگر بپذیریم که سطح سوم از حیطه عاطفی، همان تحقق‌یافتن نگرش‌ها^۳ در فرد است و نگرش، سه بُعد شناختی، هیجانی و آمادگی برای عمل دارد^۴،

۱. صاحب‌نظران بر سه بُعد شناختی، عاطفی (احساسی) و رفتاری نگرش تأکید کرده‌اند و همان‌گونه که السن نیز تصریح کرده است، اگر هر سه بُعد نگرش در افراد قوام یافته باشد، می‌توان به‌میزان زیادی این نگرش را مقوم رفتار دانست (سعیدی رضوانی، موسوی مشهدی و باغ‌گلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۹).

2. Appreciation

3. Attitude

۴. ارزش‌گذاری، سطح سوم از حیطه عاطفی است که در آن، پاسخ‌ها (سطح دوم) به‌گونه‌ای از ثبات و قوام می‌رسند و به عبارت دیگر، فرد درخصوص یک عقیده، شخص یا هر چیز دیگر، موضعی خاص می‌یابد.

می‌توان گفت مطالعه این کتاب برای مشارکت‌کنندگان، دست‌کم در دو بُعد اول نگرش، بسیار مؤثر بوده است.

همچنین یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد طی مراحل اول و دوم و سپس ورود به سطح سوم، در اکثریت مطلق مشارکت‌کنندگان، نوعی آمادگی برای الگوگیری نیز به‌وجود آمده است و حتی نشانه‌هایی روشن مبنی بر ورود برخی افراد به سطح چهارم، یعنی سازمان‌دهی ارزش‌ها با نشانه انجام دادن بازآفرینی و کنش‌های ترویجی نام و یاد سردار وجود دارد؛ البته دلالت‌هایی نیز، هرچند کمتر، درخصوص ورود به سطح پنجم^۱، یعنی کنش‌گزینی متعالی یا همان اتصاف به ارزش‌ها از نگاه بلوم و کراتول^۲، اقتباس به‌تعبیر علامه مصباح یا درونی‌سازی از منظر ارونسون و السن^۳ دیده می‌شود.



شکل ۱. سطوح اول تا پنجم الگوپذیری از سردار

۱. شایان ذکر است که در مصاحبه‌های صورت‌گرفته، درخصوص تغییرهای رفتاری، اصراری به توضیح‌دادن راجع به تغییرهای فرد مصاحبه‌شونده نبود؛ بنابراین به‌نظر می‌رسید احتمالاً برخی مصاحبه‌شوندگان، حدیث‌نفس می‌گویند و دوست ندارند درباره پیشینه خود صحبت کنند؛ مثلاً مشارکت‌کننده ۱۴ اذعان داشت: «یکی از دوستان، قبل از شهادت سردار، آدم عادی بوده؛ اما بعد از اینکه حاج قاسم شهید شده، او آمده سمت رهبری»؛ از این روی، حتی اگر تمام کدهای این بخش، مربوط به دیگران (نه شخص مشارکت‌کنندگان) باشد نیز اثر رویارویی با سیره شهید است.

2. Krathwohl
3. Olson

براساس آنچه گفتیم، می‌توان نتیجه گرفت شخصیت سردار، حداقل در گروهی که نوعی گرایش اولیه به سردار شهید داشته باشند، ظرفیت الگوسازی را خواهد داشت. به‌نظر می‌رسد محتوای خاطرات نقل‌شده از این شهید والامقام و مشاهدات مشارکت‌کنندگان در مراسم تشییع‌جنازه و بزرگداشت ایشان نوعی وجد همانندسازی و الگوگیری را در افراد به‌وجود می‌آورد. شایان ذکر است که در سال‌های اخیر، برای الگوسازی از شهدای انقلاب، دفاع مقدس و مدافعان حرم، گام‌هایی برداشته شده است؛ اما در این الگوها خلأهایی وجود دارد که گاه سبب شده است پژوهیدگان تصور کنند زندگینامه برخی شهدا مبالغه‌آمیز است (سعیدی رضوانی و غلامی، ۱۴۰۰)؛ حال آنکه در این مطالعه، در هیچ مصاحبه‌ای شبهه غلو و بزرگ‌نمایی و ویژگی‌ها و رفتارهای شهید مطرح نشده است و همچنین یافته‌هایی کاملاً روشن برای تبیین دلایل تمایل به الگو قراردادن سردار وجود دارند. ماهیت حکایت‌های ناظر بر روحیه عشق به خدمتگزاری، تلاش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی سردار، همه‌جانبه‌بودن شخصیت ایشان، افتخارآفرینی اش برای ایرانیان و پایداری این شهید بزرگوار به‌گونه‌ای بوده که از بروز هرگونه شبهه قهرمان‌پروری (معرفی یک آبرانسان) درخصوص محتوای این اثر جلوگیری کرده است. به‌طور خلاصه، سردار دل‌ها فردی دارای ابهت، شخصیت برجسته، قدرت جذب و روحیه کاریزماتیک و درعین‌حال، به‌شدت درک‌شده و منطبق با همذات‌پنداری مخاطبان است. باورها و سلوک این شهید گران‌قدر براساس معیارهای دینی و فطری شکل گرفته‌اند و بدین ترتیب، وی توانسته است به حس غرور ملی و دینی جوانان پاسخ دهد. شهید سلیمانی، شخصیتی جدا از مکتب اسلام نیست و تمام گفتار، حرکات و سکناتش نشان از پیروی او از دستورهای خداوند متعال، روش اهل‌بیت (ع) و ولایت فقیه دارد.

پدیده بی‌نظیر استقبال مردم و به‌خصوص جوانان از مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی و مقبولیت عمومی ایشان فرصتی ارزشمند را در اختیار مسئولان، مربیان و والدین دغدغه‌مند قرار داد تا از ظرفیت سردار دل‌ها برای الگوسازی بهره‌گیرند؛ زیرا

۱. در پژوهش حاضر، این گرایش با پذیرش مطالعه کتاب تأیید شده است.

در رفتارها و سبک زندگی سردار، نوعی باورپذیری در اذهان جوانان وجود دارد و می‌توان اذعان داشت خواست خدا^۱ چنین بوده است که ایشان تا این اندازه در نظر مردم، بزرگ و باورپذیر شوند، و تشییع جنازه میلیونی سردار نیز به این باورپذیری کمک شایانی کرده است؛ از این روی، لطف الهی، از طریق شخصیت والای این سردار شهید، یک الگو و بلکه یک مدرسه را در اختیار جوانان قرار داده است. به نظر می‌رسد آنچه سردار را به عنوان یک الگو و مدرسه مطرح کرده، توأم بودن سه وجه قهرمان بودن، در دسترس بودن و معتبر بودن در شخصیت والای ایشان است.

اساساً زندگینامه‌های شهدای غیرتمند و باهمت دوران مبارزه با طاغوت و سپس دفاع مقدس، و نیز مدافعان حرم اهل بیت (ع) در عراق و سوریه، براساس مطالعات انجام شده همچون پژوهش‌های امیرکانیان، مهram و سعیدی رضوانی (۱۳۹۶)، و سعیدی رضوانی و غلامی (۱۴۰۰)، ظرفیتی چشمگیر برای الگوسازی نسل نوجوان و جوان دارد. امروزه، شخصیت‌هایی مانند شهید چمران، شهید هادی، شهید یوسف‌اللهی و شهید حججی توانسته‌اند بسیاری از جوانان را به سوی آرمان‌های والای خود و در نتیجه، مکتب مقاومت جذب کنند؛ اما بی‌مروتی سران استکبار در شهادت مظلومانه و قتل ناجوانمردانه سردار به عنوان مهمان یک کشور باعث شد این شهید گرانقدر به ظرفیتی فراگیر برای الگوسازی به‌ویژه برای نسل نوجوان و جوان تبدیل شود و از سرمایه اجتماعی ایجادشده در مراسم تجلیل از این بزرگوار می‌توان برای دستیابی به هدف‌های تربیتی انقلاب اسلامی بهره برد. در پایان، لازم است برای رفع اشکال‌های احتمالی، دو مسئله و به‌تعبیری دو شبهه بررسی شوند:

الف) آیا تأکید بر الگوسازی از سردار و تعبیر مدرسه (مکتب) سلیمانی با الگوگیری از اهل بیت (ع) منافاتی نخواهد داشت؟ در پاسخ می‌توان گفت سردار شهید، خود را «سرباز سلیمانی» نامید و بدین ترتیب، گویاترین پاسخ را بیان کرد. ایشان سرباز مطیع نایب امام زمان (عج) و مفتخر به نوکری خاضعانه در خانه اهل بیت (ع) بودند و در واقع، به‌عنوان یک

۱. بیان مقام معظم رهبری درباره شهید حججی، مؤید این ادعاست: «خداوند خواست حججی حجت شود».

الگوی واسطه‌ای عمل کردند. مدرسه سردار از نوع تأسیسی است؛ اما راه دستیابی به دریای فضل پیامبر (ص)، حضرت زهرا (س) و ائمه اطهار (ع) را می‌گشاید.

ب) علی‌رغم این خیزش عمومی و جنبش اجتماعی در تشییع جنازه و تجلیل سردار، و جریان‌سازی به‌وجودآمده در تبیین سلوک اخلاقی و مشی رفتاری ایشان، چرا شاهد رخ دادن تحول مشهود اجتماعی در جهت تحقق یافتن ارزش‌های دینی و ملی نیستیم؟ در پاسخ می‌توان گفت همان‌گونه که در مطالعه حاضر نیز دریافتیم، سیره سردار، ظرفیت الگوسازی برای جوانان را دارد؛ به‌گونه‌ای که تمام جوانان با ایشان ارتباط معنوی پیدا کرده‌اند؛ اما فقط برخی از آنان توانسته‌اند تا مراحل انتهایی، یعنی انجام دادن کُنش براساس منش الگو پیش روند.

در تبیین این مسئله می‌توان گفت روزگشت‌هایی همچون عاشورای حسینی و اربعین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین راه‌پیمایی‌های زیارتی جهان اسلام، رویدادهایی مانند مقاومت بی‌بدیل ملت غیور ایران در برابر کشورهای متجاوز در دفاع مقدس، شهادت‌هایی نظیر واقعه هفتم تیر ۱۳۶۰، تشییع شکوهمند پیکر امام راحل (ره)، و تشییع جنازه شهدای غواص و سردار شهید، به‌مثابه نفخه‌هایی هستند که روح پهلوانی و غیرت و مقاومت را در پیکر ملت بزرگ ایران می‌دمند. براساس احادیث اهل بیت (ع)، همه ما موظفیم خود را در معرض این نفخه‌ها قرار دهیم و آن‌ها را قدر بدانیم. هیچ نفخه معنوی‌ای در دنیا نمی‌تواند و نباید اراده را از افراد سلب کند.

همه ما پیوسته در میان الهام‌های الهی و وسوسه‌های شیطانی قرار داریم و اراده هر یک از ما و تعاملی که با پیشران‌ها و چالش‌های حق‌گزینی و باطل‌جویی داریم (سعیدی رضوانی، ۱۴۰۰)، در هر مرحله از زندگی، جبهه ما را در کشاکش میان حق و باطل، و همچنین سعادت یا سیه‌روزی‌مان در پایان زندگی را مشخص می‌کند. سیره سردار دل‌ها و به‌ویژه کیفیت شهادت وی نفخه‌ای ارزشمند و معنوی را برای همه مردم جهان اسلام و به‌ویژه ایرانیان به‌وجود آورد. اگر بتوانیم این نفخه را به یک رود جاری در زندگی معنوی متجلی در تمام سکناات زندگی‌مان تبدیل کنیم، درواقع، زندگی‌مان را به ثقلین شریف پیوند زده‌ایم و به لطف خداوند متعال، به سعادت ابدی در دو سرای دست خواهیم یافت.

برخی پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی مرتبط با موضوع این مقاله عبارت‌اند از: واکاوی و مطالعه شاخص‌های رفتاری شهدای مدافع حرم؛ تدوین شیوه‌های تربیتی شهید سلیمانی با استفاده از روش روایت‌پژوهی در خانواده؛ آفرینش آثار هنری متعدد در توصیف شخصیت سردار به‌همت اصحاب هنر. در پایان، ذکر این نکته لازم است که محدودیت عمده مطالعه حاضر، اجرای آن در دوره شیوع بیماری کرونا و تعطیلی دانشگاه‌ها و به تبع آن، دسترسی دشوار به پژوهیدگان بود.

منابع

- قرآن کریم (ناصر مکارم شیرازی، مترجم).
- احمدی، مجتبی؛ نودهی، محمدعلی؛ و تبریزیان بروجنی، علی‌رضا (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر بهبود الگوسازی ورزش‌کاران در فضای مجازی. *مجله مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۲(۶۳)، ۶۹-۸۸.
- ارونسون، البوت (۱۳۸۲). *روان‌شناسی اجتماعی* (حسین شکرکن، مترجم). تهران: رشد.
- استراوس، آنسلم؛ و کوربین، جولیت ام. (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها* (بیوک محمدی، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسلامیان، حسن (۱۳۹۹). *گفتمان مقاومت تربیتی در مدرسه شهید سلیمانی: بستر ایدئولوژیک جهت تحقق رسالت «انتقام سخت» در میدان تعلیم و تربیت*. *اولین کنگره بین‌المللی مکتب شهید سلیمانی، جبهه مقاومت دانشگاهیان دانشگاه فردوسی مشهد*.
- امیرکانیان، مریم؛ مه‌رام، بهروز؛ و سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۶). تأثیر مطالعه کتاب‌های معنوی و حماسی بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی و رفتار اخلاقی دانش‌آموزان دختر با زمینه انحرافات اخلاقی. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۱۰(۳۹)، ۱۸۳-۲۱۱.
- بابایی طلائی، محمدباقر (۱۳۹۹). *اصول راهبرد فرهنگی مدیریت مکتب سلیمانی*. *مجله مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی*، ۴(۱۶)، ۱۸۹-۲۲۸.
- بهبودی، حسن؛ و محمودی، حسن (۱۳۹۷). بررسی نقش یادگیری مشاهده‌ای بر وضعیت مطالعه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه براساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا. *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۱(۸۱)، ۲۵-۵۴.
- تاج‌بخش، غلام‌رضا (۱۳۹۹). تحلیل کیفی تأثیرات جامعه‌شناختی شهادت اسطوره مقاومت بر جوانان. *فصلنامه معرفت فرهنگی-اجتماعی*، ۱۱(۴۲)، ۶۱-۷۸.
- حسن‌زاده، سهیلا (۱۳۹۸). نقش الگو در تربیت فرزند از منظر قرآن کریم. *فصلنامه مطالعات پژوهشی زنان*، ۶(۱۰)، ۲۸-۵.

رهیافتی از الگوسازی تربیتی تا الگوپذیری از شهید سلیمانی... / محمود سعیدی رضوانی و دیگران ۲۶۳

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران به تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۷. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=44709>.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای خانواده و ستاد بزرگداشت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۱. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49260>
- خانی، علی؛ و محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۹). بازشناسی مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی مبتنی بر بیانات امام خامنه‌ای - مدّ ظله العالی. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۳(۸۶)، ۵-۳۸.
- خلیفه، مصطفی (۱۳۹۸). الگوسازی و الگوپذیری دانش‌آموزان در آموزش و پرورش. سومین کنفرانس ملی دانش و فناوری روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی ایران. همایش‌های توسعه‌محور دانش و فناوری سام ایرانیان در شهر تهران.
- خلیلی سامانی، مسیب (۱۳۹۱). روش‌های مؤثر الگودهی به نوجوانان و جوانان جامعه از فرهنگ ایثار و شهادت. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.
- دهقانی پوده، حسین؛ و پاشایی هولاسو، امین (۱۳۹۹). تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۸(۲)، ۱۳-۳۷.
- ربانی، رسول؛ و کج‌باف، محمدباقر (۱۳۸۸). روان‌شناسی اجتماعی: دیدگاه‌ها و نظریه‌ها. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- روح‌اللهی، مهدی (۱۴۰۰). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های نفوذ اجتماعی در سبک رهبری شهید قاسم سلیمانی. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۹(۲)، ۵-۴۲.
- زارعی، سعدالله (۱۳۹۸). کنکاشی مقدماتی در مکتب سلیمانی. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۲۰(۳)، ۵-۲۴.
- زارعی توپخانه، محمد (۱۳۹۲). زینب- سلام الله علیها: الگوی سلامت روان. معرفت، ۲۲(۱۹۲)، ۷۳-۸۲.
- زرسازان، عاطفه (۱۳۹۶). جستاری در تربیت دینی با تأکید بر روش الگویی در سیره رضوی. دوفصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۵(۹)، ۱۴۳-۱۶۲.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۴۰۰). تقلیل‌گرایی در تربیت و پیچیدگی امر جنسی: چالش میان تربیت حادقلی و حداکثری در امر جنسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ و غلامی، فاطمه (۱۴۰۰). زیست‌نامه شهدا و لایه‌های ذهنی مخاطبان: ربایش‌ها، رانش‌ها، رویش‌ها. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹(۵۳)، ۱۲۳-۱۶۴.

- سعیدی رضوانی، محمود؛ موسوی مشهدی، سید جمال‌الدین؛ و باغ‌گلی، حسین (۱۳۸۹). نگرش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به موضوع شهادت و ارائه الگوی آماری - احتمالی برای جامعه آماری. نشریه تربیت اسلامی، ۵(۱۱)، ۱۳۵-۱۶۴.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۳). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش (ویرایش ۷). تهران: دوران.
- شفیعی سیف‌آبادی، محسن؛ و عابدی اردکانی، محمد (۱۴۰۰). ارزیابی عوامل نفوذ الگوی رفتاری و مدیریت جهادی سردار سلیمانی بر مبنای نظریه اورت راجرز: مطالعه موردی: محور مقاومت در منطقه خاورمیانه. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۴(۹۱)، ۵-۴۰.
- صلواتیان، سیاوش؛ گودرزی، غلام‌رضا؛ و حق‌وردی طاقانکی، میثم (۱۳۹۶). الگوی رهبری شهید سید مرتضی آوینی در فعالیت‌های رسانه‌ای. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۵(۴)، ۹۵-۱۲۱.
- ضماهنی، مجید؛ و حجرگشت، سعید (۱۳۹۴). طراحی و تبیین الگوی فرماندهی (رهبری) سردار شهید حسن باقری. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۰(۴)، ۵۸۴-۶۰۷.
- طهماسبی، عالمه؛ موسوی، لیلا؛ و قربانی، مهدی (۱۳۹۹). سلیمانی عزیز: گذری بر زندگی و رزم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به انضمام متن وصیتنامه. قم: حماسه یاران.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳(۱)، ۱۹-۳۴.
- قائم‌مقدم، محمدرضا (۱۳۸۹). روش الگویی در تربیت اسلامی. مجله معرفت، (۶۹).
- کتابی، ابراهیم؛ رحمتی، محمدحسین؛ و خنیفر، حسین (۱۳۹۵). الگوی رهبری امام حسین - علیه السلام - در قیام عاشورا. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۴(۳)، ۱۲۹-۱۴۵.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۲). روان‌شناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها. تهران: ارسباران.
- کوشا، غلام‌حیدر؛ و ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۳). خانواده و مدیریت الگوپذیری نوجوان. نشریه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۶(۱)، ۱۱۳-۱۳۶.
- محمدی، زهرا (۱۳۹۰). حضرت زهرا - سلام الله علیها - الگوی زن مسلمان. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۴(۱۰)، ۱۵-۳۹.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). جامی از زلال کوثر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- موسوی، سید محمد (۱۳۹۸). مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در دفاع از حریم اهل بیت. نشریه مطالعات بیداری اسلامی، ۸(۱۵)، ۷۵-۱۰۰.